

<https://www.aftabekherad.ir>

Discursive Challenges; Necessities and Musts (With a Look at the Contrast of the Islamic Revolution Discourse and Secularism)

Vahid Kangrani Farahani^۱

Received: 2018/04/24

Accepted: 2018/05/11

Abstract

Discourse perspectives are among the areas that have been raised in the humanities literature of the country in recent years. Discourse in its larger context, which goes beyond linguistics, is one of the main drivers of culture and civilization. These discourses establish a dialectical relationship with society and are both influential and influenced. On the other hand, every discourse has an other or other, and according to some perspectives, the field of society is in some way an arena of competition and war between discursive others. The discourse of the Islamic Revolution was also raised from the beginning as a hegemonic discourse in Iranian society by breaking the structure of the discourse other than itself, that is, secular discourse. This hegemony has been accompanied by challenges in recent years, and secular discourse has created a conflict-like situation in Iranian society by updating itself and exploiting the media. This research seeks to explain the role of discourse in society and ultimately provide a glimpse into the existing conditions in the conflicting discourse of the Islamic Revolution and secular discourse.

Keywords: Discourse, Islamic Revolution, Secular Discourse, Non-Discourse.

^۱ - Graduate of Qom Seminary and Master of Applied Ethics -Vahidfarahani86@gmail.com

چالش‌های گفتمانی؛ ضرورت‌ها و بایدها (با نگاهی به تقابل گفتمان انقلاب اسلامی و سکولاریزم)

وحید کنگرانی فراهانی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۲/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۲/۰۴

چکیده

نگرش‌های گفتمانی از جمله حوزه‌هایی است که طی سال‌های گذشته در ادبیات علوم انسانی کشور مطرح شده است، گفتمان در فضای کلان‌تر آن، که فراتر از موضوعات زبان‌شناسی است، یکی از پیش‌برنده‌های اصلی فرهنگ و تمدن است و این گفتمان‌ها هستند که رابطه‌ای دیالکتیک با جامعه برقرار کرده و هم‌اثرگذار بوده و هم‌اثر می‌پذیرند. از سوی دیگر هر گفتمانی غیری یا دگری داشته و بر اساس برخی نگرش‌ها عرصه جامعه به نحوی عرصه رقابت و جنگ غیرهای گفتمانی است. گفتمان انقلاب اسلامی نیز از ابتدا با شکستن ساختار گفتمان غیر خود یعنی گفتمان سکولار به‌عنوان گفتمان هژمونیک در جامعه ایرانی مطرح گردید. این هژمونی طی سال‌های گذشته با چالش‌هایی همراه بوده و گفتمان سکولار با به‌روزرسانی خود و بهره‌برداری از حوزه رسانه‌ها، موقعیتی تعارض‌گونه را در جامعه ایرانی رقم زده است. این پژوهش درصدد تبیین نقش گفتمان در جامعه و در نهایت نیم‌نگاهی به شرایط موجود در شرایط تعارض‌گونه گفتمان انقلاب اسلامی و گفتمان سکولار می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: گفتمان، انقلاب اسلامی، گفتمان سکولار، غیرگفتمان

^۱ - دانش‌آموخته حوزه علمیه قم و کارشناس ارشد اخلاق کاربردی - Vahidfarahani86@gmail.com

مقدمه

امروزه گفتمان‌شناسی و تأمل در حوزه گفتمان‌های هژمونیک و اغیار آنها یکی از علاقمندی‌های پژوهشگران حوزه زبان‌شناسی، سیاسی و اجتماعی شده است. گفتمان‌ها در کنار ورود به حوزه‌های آکادمیک در فضای عینی جامعه تأثیر و تأثرات جدی داشته و به عنوان یکی از جلوه‌های قدرت در هر جامعه‌ای نقش بازی می‌کنند.

در این فضا قدرت یک کل است و مبتنی بر یک دوگانه فرماندار و فرمان‌پذیر نیست. قدرت، ابزاری در دستان عده‌ای معدود نیست و اساساً تمرکز قدرت در دستان عده‌ای خاص در این پارادایم بی‌معنی است. در این فضا، قدرت «همزمان همه اجتماع را به صورت یک کل یکپارچه در سیطره و سلطه خود می‌گیرد. قدرت این گونه، نه تنها بر فرمان برداران بلکه بر فرمانداران و حاکمان نیز اعمال می‌شود و نظم و انضباط خاص خود را بر ذهنیت، رفتار و گفتار آنها تحمیل می‌کند. این قدرت است که شیوه‌های اندیشه و گفتار را تعیین می‌کند» (سلطانی، ۱۳۹۶: ۵۶). بر اساس این نگرش، مطبوعات، کتب، منشورات، سبک زندگی و تمامی تعاملات تابع نظام معنایی و فرهنگی حاکم بر کشور است که به عنوان قدرت نامرئی نقش ایفا می‌کند.

بر این اساس گفتمان‌ها را می‌توان موتور محرکه هر جامعه و گفتمان‌شناسی را یکی از الزامات جدی آشنایی به اقتضائات زمان تلقی نمود.

در این فضا امروزه شاهد تقابل دو گفتمان، از ابتدای انقلاب اسلامی تاکنون بوده‌ایم. «گفتمان انقلاب اسلامی» با محوریت ولایت فقیه و مبتنی بر انگاره آشتی دین و دنیا در تمامی حوزه‌ها به سمت مقابله و جداسازی هویت خود از هویت «گفتمان سکولار» بوده و از سویی گفتمان سکولاریزم نیز به عنوان یک گفتمان کلان، تقابلات جدی با گفتمان انقلاب اسلامی در حوزه‌های مختلف از جمله معنویت، سیاست، سبک زندگی و ... دارد. امروزه هر گفتمانی برای توفیق خود نیاز به «منطق قوی گفتمانی»، «توجه به عنصر احساس»، «دیالکتیک متعادل» و به روزرسانی و بازتولید است» و گفتمان انقلاب اسلامی نیز در دهه چهارم انقلاب اسلامی در صورتی می‌تواند به تداوم هژمونی خود دست یابد که در این چهار حوزه توفیقاتی داشته باشد.

این تحقیق درصدد است با روش تحلیل گفتمان، به تبیین نگرش‌های گفتمانی، اثرات آن در جامعه و در نهایت با نگاهی به پژوهش‌های پیشین در حوزه تحلیل گفتمان انقلاب اسلامی، به نکات ۴ گانه فوق با توجه به شرایط فعلی بپردازد.

۱- گفتمان چیست؟

۱-۱- مفهوم شناسی و تطور معنایی

گفتمان، از جمله کلیدواژه‌های پربسامدی است که طی سال‌های گذشته در حوزه‌های مختلف علوم انسانی و حتی در بین کنشگران سیاسی رایج شده است. نخستین بار داریوش آشوری در مقاله نظریه فرهنگی و بحران تفکر در ایران واژه گفتمان را به کار برد. کلیدواژه‌ای که در غرب از سال‌ها پیش و در قالب 'Discourse' به کار رفته و در حوزه زبان‌شناسی (آشوری، ۱۳۶۸) در خصوص آن تولید ادبیات صورت گرفته است. گفتمان در لغت به چند معنی آمده است: مباحثه و مجادله، مسیر و جریان و راه و روش، گفتگو و مکالمه، عمل، قانون، پرده نمایش، نماد، قدرت، توان و استعداد تفکر و ... (بابوک، ۱۹۸۱، به نقل از امینی، ۱۳۹۰).

در حوزه اصطلاح‌شناسی به لحاظ پیشینه، باید گفت که دهه ۱۹۵۰ عصر ظهور اصطلاح گفتمان در گستره علوم مختلف اجتماعی و انسانی بود. این مفهوم در کمتر از دو دهه حضوری مداوم و عمیق در اکثر رشته‌های علوم اجتماعی و ارتباطی یافت. تحلیل‌های جامعه‌شناختی از این مفهوم که ظاهراً برای اولین بار در مقاله «تحلیل گفتمان» نوشته «زلیک هریس» (۱۹۵۲) زبان‌شناس معروف فرانسوی به کار رفته بود، در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ وارد عرصه‌های زبان‌شناسی، نقد ادبی، روان‌کاوی، فلسفه، نظریه سیاسی، نظریه اجتماعی و نظریه فرهنگی شد (بشیر، ۱۳۸۴: ۱۰).

در حوزه اصطلاح اساساً گفتمان را می‌توان به دو حوزه معنایی اطلاق کرد:

اول) حوزه «زبان‌شناسی» که گفتمان در فضای فنی و علمی و زبان‌شناسانه به جنبه‌هایی از زبان می‌پردازد که تنها می‌توان آنها را با ارجاع به متکلم، وضعیت یا موقعیت مکانی و زمانی وی یا با ارجاع به متغیرهای دیگری بیان نمود که در مشخص کردن بسترهای بافت موضوعی پاره‌گفتار به کار می‌روند (فرقانی، ۱۳۸۲: ۶۰). در این رویکرد تحلیل گفتمان به مطالعه کارکردهای زبان‌شناختی، معناشناختی و صرف و نحوی گزاره‌هایی پرداخته که لازمه توصیف و تشریح آنها در نظر گرفتن توالی، ترادف و ساختار آنها و در نهایت به منزله یک کل انگاشتن آنها می‌باشد.

دوم) حوزه «فلسفه سیاسی و اجتماعی» که گفتمان در معنای جدیدتر آن مطرح گردید و پس از تطورات به وجود آمده از سوی فوکو^۲ در خصوص تحلیل گفتمان معنایی عام‌تر

۱- ریشه مفهوم گفتمان فعل یونانی (Discurrere) به معنی حرکت سریع در جهات مختلف است (عضدانلو، ۱۳۷۵).

یافته است، مبتنی بر این نگرش که اساساً مجموعه معانی تولید شده در بستر یک جامعه محصول شرایط فرهنگی، اجتماعی و سیاسی می‌باشد که در حوزه زبانی نمود پیدا می‌کند و گفتمان‌ها هستند که بر زبان اثر می‌گذارند نه بالعکس.

آنچه در این مقاله و البته ادبیات علوم انسانی جامعه ایرانی به عنوان یک رویکرد در گفتمان‌شناسی مطرح است رویکرد دوم می‌باشد. در این رویکرد «گفتمان یعنی باور عمومی؛ یعنی آن چیزی که به صورت یک سخن مورد قبول عموم تلقی بشود» (خامنه‌ای، ۱۳۹۲).

مبتنی بر این نگرش در هر دوره‌ای از ادوار اجتماعی، سیاسی و فرهنگی گفتمان خاصی حاکم می‌باشد که به نوعی آینه تمام‌نمای ساختار و اندیشه حاکم بر جامعه و روابط اجتماعی می‌باشد. مبتنی بر این نگرش «هر دورانی گفتمان خاص خود را دارد و هر حادثه‌ای در درون گفتمان خودش قابل تحلیل است» (تاجیک، ۱۳۸۳: ۱۴).

۲-۱- اجزای گفتمان

هر گفتمانی پس از شکل‌گیری، ارکان و اجزای مختلفی دارد. ارکانی که مفاهیم اصلی و فرعی گفتمان را ساخته و باعث افول و یا صعود هر گفتمان می‌شوند. اما به لحاظ شکلی و با نگاهی بیرونی به هر گفتمان می‌توان هر گفتمان را حداقل دارای دو جزء اساسی دانست:

الف) دال‌های مرکزی و شناور

هر گفتمانی در ابتدای شکل‌گیری خود به دنبال مفاهیمی است که بتواند از طریق آنها مقصود و معنای مورد نظر خود را در سطح جامعه عمومی و نخبگانی مطرح کند و در روند شکل‌گیری به مفهومی به نام مفصل‌بندی^۱ گفتمان برخورد می‌کند. «در مفصل‌بندی گفتمان، عناصر متفاوت جدا و حتی بی‌مفهوم، وقتی در کنار هم در قالب یک گفتمان گرد می‌آیند، هویت نوینی را کسب می‌کنند. ربط این عناصر از طریق مفصل‌بندی میسر می‌شود» (حسینی‌زاده و حقیقت، ۱۳۹۰: ۱۰۷). هر مفصل‌بندی مبتنی بر دال‌های مرکزی و شناور است. دال مرکزی اصلی‌ترین مفهوم هر گفتمان است که سایر دال‌ها مبتنی بر آن شکل می‌گیرند. به عنوان مثال در گفتمان لیبرالیسم دال مرکزی آزادی است و تلاش می‌شود سایر مفاهیم مبتنی بر این دال مرکزی شکل بگیرند. پس از دال مرکزی، دال‌های شناور از جمله مهم‌ترین اجزای هر گفتمان هستند. دال‌هایی که مفاهیمی دوپهلوی دارند و

هر گفتمانی تلاش می‌کند از طریق ترجمه معنایی هم‌سو با گفتمان خود، آنها را به استخدام خود در بیاورد. این دال‌ها به عناصر نیز معرُوف هستند به عنوان مثال در گفتمان لیبرالیسم می‌توان عناصری همچون اصالت فرد، آزادی‌های مدنی و مفاهیم مشابه را به عنوان دال‌های شناور این گفتمان به حساب آورد.

ب) کنشگران گفتمانی

در تبیین اجزای هر گفتمان به صورت سستی به مفاهیمی همچون دال‌های مرکزی و شناور، دال و مدلول، هژمونی و ... اشاره می‌شود. در کنار اینها به نظر می‌رسد گرچه در حوزه گفتمان با معنا و مفاهیم ارتباط گرفته می‌شود، اما نقش عامل انسانی را نباید نادیده گرفت. هر گفتمانی در حوزه کنشگران حداقل نیاز به ۴ سطح از کنشگران دارد:

۱- **نظریه پرداز:** نظریه پرداز هر گفتمان، فردی است که تلاش می‌کند مفصل‌بندی مناسبی بین مفاهیم اصلی و شناور گفتمان ایجاد کند. نظریه پردازان گفتمان‌ها ممکن است حضور فیزیکی در زمان اقتدار گفتمان‌ها نداشته باشند اما توانسته باشند به صورت تدریجی اثرات خود را بر قلب و روح جامعه بگذارند.

۲- **شارحین:** شارحین گفتمان‌ها افرادی هستند که به شرح و بسط، به روزرسانی و تطبیق مفاهیم ذهنی بر عینیت جامعه می‌پردازند و تلاش می‌کنند گفتمان را از یک فضای ذهنی و انتزاعی به سمت فضای عینی جامعه سوق دهند.

۳- **پیروان:** پیروان هر گفتمان می‌توانند شامل گونه‌های مختلف کنشگران سیاسی، فرهنگی و ... باشند. افرادی که پیروان فکری و عملی نظریه پرداز و شارحین یک گفتمان می‌باشند.

۴- **رسانه‌ها و عناصر تبلیغاتی:** امروزه با رشد رسانه‌ها و فضای ارتباطی، یکی از اصول و عناصر اصلی گفتمان‌ها در سطح جامعه فعالان رسانه‌ای می‌باشند. ممکن است گفتمانی از نظریه پرداز و حتی شارح مناسبی بهره‌برداری کند اما در حوزه رسانه‌ها اثرگذاری محسوسی نداشته و در نتیجه به محاق برود.

وجود هر یک از ۴ عامل فوق می‌تولند اوج و اقتدار یک گفتمان را رقم بزنند و فقدان آنها گفتمان را موقتاً و یا حتی دائماً به بایگانی تاریخ بسپرد.

۲- گفتمان و متن جامعه

اگر قدرت را در هر جامعه‌ای فراتر از رابطه فرماندار، فرمانبر و امری خرد تلقی کنیم که حتی بر دیدگاه‌های حاکمان اثرگذار است، می‌توان گفت گفتمان‌ها در هر جامعه‌ای

رابطه‌ای ناگسستنی با قدرت دارند. قدرتی که «نباید به نهادهای سیاسی محدود شود، بلکه در تمام جامعه جاری است و نقشی مولد ایفا می‌کند» (دریفوس، ۱۳۷۹: ۳۹۲). اساساً گفتمان‌ها نقشی سازنده و مسلط در جامعه دارند؛ نقشی که از آن با کلیدواژه هژمونیک^۱ یاد می‌شود. این گفتمان‌ها هستند که نقشی هژمونیک در جامعه داشته و شبکه معنایی برساخته از گفتمان‌ها تا اعماق اذهان افراد نفوذ می‌کند که در نمونه‌های عینی آن می‌توان در بزنگاه‌های سیاسی و فرهنگی کشور نقش آنها را رصد نمود، آنگاه که گفتمان‌ها پیش برنده‌های اصلی هستند نه افراد.

بر این اساس گرچه افراد و سوژه‌ها دارای اختیار و اراده هستند اما گفتمان‌ها هستند که بر ذهن و روح آنها مسلط شده و تغییرات را مدیریت می‌کنند. در برخی از نگرش‌های گفتمانی این دیدگاه تا جایی مطرح شده که برخی معتقدند که فرد نسبت به هژمونی گفتمان‌ها «نه تنها خود مختاریش را از دست داده بلکه جنبه‌های اجتماعی و حتی فردی شخصیتش نیز برساخته تأثیرات ایدئولوژیک و روابط قدرت در حوزه گفتمان‌ها می‌باشد» (سلطانی، ۱۳۹۶: ۹۲).

تأثیرات گفتمان‌ها از سبک زندگی، شکل‌گیری روابط، ایدئولوژی‌ها و ساختارهای قدرت تا انتخاب و ورود کلمات جدید به حوزه‌های زبانی افراد در زندگی محاوره‌ای را شامل می‌شود و از قهوه‌خانه‌ها گرفته تا مجالس نوحه خوانی و سخنرانی‌ها تحت تأثیر گفتمان‌های حاکم می‌باشند و به تعبیری:

گفتمان فقط در درون کاخ‌ها و در قصرهای تو در تو و مجلل نیست؛ در هر جا و در همه جا هست؛ در کوچک‌ترین واحد سیاسی و جغرافیایی نیز به چشم می‌خورد. در هر جا که آمریت هست، اطاعت هست و فریب و ریا و پنهان کاری هست، گفتمان نیز هست (Farsoun, 1992).

مهم‌ترین اثرات گفتمان‌ها بر حوزه بینشی، ارزشی و رفتاری مردم جامعه می‌باشد که در واقع همه چیز است. گفتمان‌ها ظرفیت بالایی برای تغییر در دیدگاه‌ها و نگرش افراد جامعه دارند. هر گفتمانی که بتواند مفصل‌بندی مناسبی بین دال مرکزی و دال شناور ایجاد کند، ظرفیت بالاتری برای تأثیرگذاری در حوزه تغییر نگرش افراد جامعه دارد. گفتمان‌ها می‌توانند اولویت‌های یک جامعه را به طور کلی زیر و رو کنند. برجسته‌سازی^۲ و حاشیه‌رانی^۳ از جمله ابزارهایی هستند که گفتمان‌ها از طریق آن در حوزه رسانه‌ها و

1- Hegemonic
2- Foregrounding
3- Backgrounding

مطبوعات می توانند به تقویت مفاهیم خود پردازند. «برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی سازوکاری هستند که به واسطه آن گفتمان‌ها سعی می‌کنند نقاط قوت خود را برجسته سازند و نقاط ضعف خود را به حاشیه رانده و پنهان کنند و بالعکس نقطه قوت غیر یا دشمن را به حاشیه برانند و نقاط ضعف او را برجسته سازند» (سلطانی، ۱۳۹۶:۱۱۳).

از سوی دیگر تغییر بینش‌ها بر مبنای گفتمان‌ها تبعات عملیاتی در صحنه جامعه خواهد داشت و اگر تفکری به صورت گفتمان درآمد، اجرایی و عملیاتی شدن آن کار دشواری نیست. از این منظر گفتمان یک جامعه مثل هواست، همه تنفسش می‌کنند؛ چه بدانند، چه ندانند؛ چه بخواهند، چه نخواهند (خامنه‌ای، ۱۳۹۰).

گفتمان‌ها با این قدرت می‌توانند با توصیف واقعیت، آنها را تبدیل به عین واقعیت کنند. از نمونه‌های این مسأله می‌توان به تقابلات گفتمانی حاکمیت امیرالمومنین (ع) با دال مرکزی اسلام اشاره کرد که همین دال مرکزی به عنوان مدعی اصلی غیرهای گفتمانی امیرالمومنین تلقی شده و جریانات مختلف فکری و سیاسی از جمله معاویه و خوارج تلاش کردند که با توصیف و مختصات فهم خود از اسلام آن را عملیاتی کنند.

در نمونه دیگر می‌توان موضوع تروریسم را به عنوان گفتمان سیاسی که آمریکا طی چند سال گذشته برای پی‌ریزی یک ساخت جدید در حوزه روابط بین‌الملل استفاده می‌کند تلقی کرد که در نهایت تلاش می‌کند از توصیف پدیده‌ها به منافع واقعی خود برسد.

۳- چارچوبی برای تحلیل شرایط موجود

۳-۱- گفتمان انقلاب اسلامی و اغیار

هر گفتمانی برای خود غیر دارد و یکی از راه‌های موفقیت گفتمان‌ها تلاش برای مرزبندی با غیر و به حاشیه راندن نقاط ضعف و در عین حال برجسته‌سازی نقاط قوت خود می‌باشد. «این وضعیت را می‌توان با رابطه روشنائی و تاریکی مقایسه کرد. هر دوی اینها غیربیرونی و دیگر خارجی یکدیگرند و وجود هر یک برای فهمیدن دیگری ضروری است. اگر همه جا روشن مطلق باشد، دیگر واژه روشنائی هویت و معنای خود را از دست خواهد داد. به این ترتیب هر گفتمانی ضرورتاً نیاز به گفتمان رقیب دارد تا به واسطه آن هویت یابد» (سلطانی، ۱۳۹۶:۱۱۱). به عنوان مثال گفتمان الحادی به عنوان غیرگفتمان توحیدی تلقی می‌شود و این دو در کنار هم فهمیده و از سویی هویت‌یابی هر یک مبتنی بر نقد دیگری است.

سؤال‌ی که مطرح است این است که امروزه بدیل / بدیل‌ها و یا غیر / اغیار گفتمان انقلاب اسلامی کدامند و در چه شرایطی به سر می‌بریم؟ پیش از هر بحثی می‌بایست به مفصل‌بندی گفتمان انقلاب اسلامی بپردازیم، گفتمانی که در درون خود نیز با قرائت‌های مختلفی تفسیر و تنقیح شده است.

گفتمان انقلاب اسلامی که نه تنها ساختار و سامان جدیدی را طی چهل سال گذشته مطرح نموده بلکه نظم جدیدی را نیز پایه‌ریزی کرده است. حکومت مردم‌گرای دینی، استقلال، مبارزه با طاغوت و استکبار جهانی، دفاع از محرومین و مستضعفین، امت اسلامی، دفاع از پابره‌نه‌ها، مقابله با کوخ‌نشینی، برابری و مساوات، مجموعه به هم پیوسته‌ای از مفاهیم را تشکیل می‌دهند که در جریان انقلاب اسلامی وارد ادبیات سیاسی، فرهنگی و اجتماعی شد و در مجموع گفتمان واحدی را تشکیل داد که این گفتمان جدید در پارادایم خاصی قابل فهم است که می‌توان آن را پارادایم «اسلام سیاسی» نامید (ایوبی، ۱۳۸۰).

دال مرکزی پارادایم اسلام سیاسی ولایت فقیه و در تبیین دال‌های شناور آن می‌توان به دو عنصر جمهوریت و اسلامیت اشاره کرد که خود مفاهیم دیگری را ذیل خود معنا می‌کنند. پیوند دین و دنیا به عنوان مهم‌ترین انگاره معرفتی در تبیین گفتمان انقلاب اسلامی قابل طرح می‌باشد. به همین دلیل دال مرکزی آن ولایت فقیه است که الگوی کاملی برای مدیریت اجتماعی است تا با اجرای قوانین الهی و فرامین دینی این پیوند را تحقق بخشد.



ترسیم دال مرکزی و شناور گفتمان انقلاب اسلامی

در طی روند ۴۰ ساله، گفتمان انقلاب اسلامی مخالفان متعددی را داشته است اما اگر با نگرش گفتمانی در صدد تحلیل شرایط موجود باشیم مهم‌ترین غیرگفتمان انقلاب اسلامی، «سکولاریزم» می‌باشد.

گفتمان انقلاب اسلامی نوعی ساختارشکنی گفتمان سکولاریزم به عنوان یک گفتمان هژمونیک در دنیا بود. اساساً هژمونیک شدن یک گفتمان با ساختارشکنی آن رابطه منطقی دارد. هر چه گفتمان به سمت هژمونیک‌تر شدن حرکت کند، ساختارهای گفتمان قبلی را درهم ریخته و تلاش می‌کند با تخریب دال مرکزی، دال‌های شناور گفتمان رقیب را از هم جدا کند و این روند در خصوص انقلاب اسلامی ایران محقق گردید. انقلاب اسلامی توانست با شکستن ساختارهای قبلی، گفتمان خود را تبدیل به یک گفتمان هژمونیک کند. سکولاریزم یک ایدئولوژی ضد معنوی و ضد دینی است که عمیق‌ترین لایه برای ایدئولوژی‌های مختلفی بوده که با اصالت بخشیدن به زندگی دنیوی بشر در پی تفسیر و توجیه آن برمی‌آیند. این ایدئولوژی در صورتی که معنویت و دیانت به حوزه فرهنگ عمومی بازگشت نماید، مقاومت خود را برای پیشگیری از حیات مجدد دیانت در عرصه سیاست مدیریت خواهد نمود (پارسانیا، ۱۳۸۴).

سکولاریزم تنها در قامت یک جریان ضد دینی خود را نمایان نمی‌سازد، بلکه سکولاریزم می‌تواند در قامت الگوی نظری سیاسی، فرهنگی و یا اجتماعی نیز پدیدار گردد، چه بسا افرادی هستند که از نظر معرفتی خود را دین‌باور ارزیابی و حتی دارای تقیدات دینی هستند، اما از نظر سیاسی و یا اجتماعی و روابط فرهنگی باور چندانی به ترجیح الگوهای دینی به عنوان نمادهای هنجارساز ندارند، دین‌باوران سکولار امروزه حتی در برخی کانون‌ها و جریان‌های مذهبی نیز حضور دارند که از نظر مشرب و گفتمان سیاسی چندان قرابتی با گفتمان انقلاب اسلامی ندارند. حتی اگر کلیات آن را تأیید نمایند. سکولاریزم در هر شکل و قالبی به دلیل مبانی معرفتی‌ای که دارا می‌باشد، از نظر بنیان‌ها و ارزش‌ها و همچنین دال‌های اصلی گفتمانی در مقابل گفتمان انقلاب اسلامی تعریف می‌گردد.

گفتمان سکولاریزم پس از عصر نوزایی، یکی از گفتمان‌های هژمونیک در غرب بوده که سایه بر تمامی اندیشه‌ها انداخته است. امروزه از سیاست، معنویت و حتی دین سکولار سخن به میان آمده که در مقابل انگاره اصلی گفتمان انقلاب اسلامی می‌باشد. سکولاریسم با یک سلسله اصول و ارزش‌های پذیرفته شده در فرهنگ مغرب زمین مانند انسان‌گرایی، عقل‌گرایی، علم‌زدگی و اصالت ماده پیوندی وثیق دارد (رشاد، ۱۳۸۱: ۲۳).

پس از تبیین اجمالی گفتمان انقلاب اسلامی و غیر آن، در ادامه تلاش می‌کنیم وضعیت‌شناسی و موقعیت تعارض گونه جامعه ایرانی را در تضاد دو گفتمان انقلاب اسلامی و سکولاریزم تبیین نماییم.

۲-۳- آسیب‌شناسی شرایط پیش رو

هر گفتمانی برای صعود و غلبه بر غیر و یا اغیار خود نیاز به تثبیت شرایط و شاخص‌هایی دارد که در صورت فقدان آنها، گفتمان روند صعودی و هژمونیک را طی نخواهد کرد و امروزه نیز دو گفتمان انقلاب اسلامی و سکولاریزم در تلاش برای تثبیت موقعیت خود با توجه به این شرایط هستند:

اول) منطق گفتمان: در این مرحله گفتمان می‌بایست انسجام معنایی و ایدئولوژیکی خود را به پیروان خود اثبات کند. این مرحله که بر عهده نظریه‌پرداز و شارحین گفتمان است از جمله مراحل ابتدایی شکل‌گیری هر گفتمانی می‌باشد. به عنوان مثال گفتمان ولایت فقیه در ابتدای کار و پیش از شروع انقلاب ایران در حوزه علمیه نجف توسط امام خمینی(ره) و مبتنی بر تفسیر دیدگاه‌های فقه‌ای قبلی تشریح و نظم‌منطقی یافت.^۱

امروزه گفتمان سکولاریزم در حوزه‌های مختلف از جمله سبک زندگی و فضای دانشگاهی کشور در حال ترویج است و برخی معتقدند که دو گرایش سکولاریزم سیاسی و معنویت‌های سکولار از جمله گرایشاتی است که در دانشگاه‌ها در حال ترویج می‌باشد (گنجی، ۱۳۹۲). از سوی دیگر در حوزه گفتمان انقلاب اسلامی و به روزرسانی آن شاهد چالش‌های جدی در حوزه‌های مختلف از جمله اقتصاد، مسائل اجتماعی، امنیت و ... هستیم. نظریه ولایت‌فقیه (انتخاب یا انتصاب)، نظارت استصوابی و سایر اختلافاتی که امروزه گفتمان انقلاب اسلامی در حوزه‌های عملیاتی با آن روبروست از جمله عوارض به روز نشدن و تبیین دقیق ابعاد و زیرساخت‌های این گفتمان که از شمولیت بسیار بالایی برخوردار بوده و تمامی مسائل و نیازهای اجتماعی را پوشش می‌دهد، است.

دوم) بُعد احساسی گفتمان: بسیاری از پیروان گفتمان‌ها از افراد معمولی هستند که ممکن است علاقه‌ای به ورود به مباحث پیچیده و مبنایی نداشته باشند. بر این اساس رسانه‌ها و بخشی از علاقمندان به گفتمان‌ها به حوزه احساسات ورود کرده و تلاش می‌کنند مبتنی بر نگرش‌های بنیادین مطرح شده در بُعد اول، حوزه احساسات افراد را

^۱ - مجموعه دروس امام در این خصوص به صورت کتاب حکومت اسلامی از سوی مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره) چاپ شده است.

برانگیخته تا برای پذیرش ساختارهای جدید و بدیع زمینه‌سازی گردد. امروزه فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی بستری برای ایفاء نقش در این حوزه شده‌اند. در این بستر امروزه شبکه‌های اجتماعی یکی از سرنوشت‌سازترین حوزه‌ها می‌باشند. این روند تا جایی است که شبکه‌های اجتماعی در کشور زمینه‌ساز چالش‌های جدی امنیتی نیز شده‌اند. در کنار این حوزه، غلبه جریان‌های سکولار در فضای مجازی به دلیل ورود زودهنگام این جریان‌ها به این حوزه، یکی از اثرات فضای مجازی بر گفتمان انقلاب اسلامی در حوزه رسانه‌ها بوده است.

بعد احساسی گفتمان بر ابعاد پذیرش و جذب تمایلات درونی اجزای جامعه به عنوان یک الگوی نظری برتر رجوع دارد. به میزانی که اجزای جامعه نسبت به مبانی نظری گفتمان دارای تمایلات اثباتی باشند و نسبت به آن احساس تعلق عاطفی نموده و حاضر باشند از آن در قبال الگوهای جایگزین حمایت نمایند، این گفتمان نفوذ اجتماعی یافته و می‌تواند قدرت گفتمانی و رقابتی خود را در قبال جریان‌های گفتمانی رقیب حفظ نماید. گفتمان انقلاب اسلامی به دلیل نفوذ آن در جامعه که خود بخشی از حقیقت معرفی جامعه را شامل می‌شود، توانست بخش زیادی از انگیزش‌های اجتماعی و احساسی مردم را به سوی خود جلب نموده و با خود همراه سازد. عوامل و زمینه‌های گوناگونی امروزه در کارند که وجه احساسی این گفتمان را با فرسایش و تضعیف مواجه سازند. نقش شبکه‌های اجتماعی به ویژه کانال‌های تلگرامی که با نفوذ و بسط شیوع افکار پادگفتمانی بسیاری همراه است، در این فرآیند از اهمیت بسیاری برخوردار گشته است. این نوع کانون‌ها که از جنب جریان‌های متفاوت فرهنگی، سیاسی و گفتمانی نیز پشتیبانی می‌گردند از چند طریق تلاش دارند، وجه احساسی کشش به سوی گفتمان انقلاب اسلامی را تضعیف نمایند. از جمله این روش‌های متداول در این کانون‌ها می‌توان به تکثیر بیش از حد خرده‌گفتمان‌هایی که با برجسته‌سازی یکی از ابعاد ارزشی و یا نیازهای خاص تلاش دارند آن‌را به گفتمان بخش‌هایی که دارای تمایل به این ارزش‌ها هستند و یا از فقر و فقدان تأمین یک نیاز رنج می‌برند، به سوی خود جذب نمایند. تکثیر و تکرار گفتمان‌های خرد، منشاء عدول و یا عبور از باور درونی و احساسی به گفتمان انقلاب خواهد شد که برآیند آن تضعیف گفتمان انقلاب اسلامی است. بدیل‌سازی گفتمانی، جریان‌سازی‌های متکثر فرهنگی، تغییر در الگوی مصرف رسانه‌ای، نقدهای رادیکال گفتمانی، فقدان پویایی منادیان، محدود شدن دایره و شمولیت گفتمان انقلاب اسلامی از

دیگر عواملی است که روند تضعیف تمایلات احساسی نسبت به این گفتمان را سبب می‌گردد.

سوم) دیالکتیک متعادل: گفتمان‌ها شکلی از رفتار اجتماعی می‌باشند. رفتار هم برساخته جامعه و هم سازنده جامعه بوده و بر این اساس گفتمان‌ها نیز هم سازنده جهان اجتماعی، سیاسی و فرهنگی بوده و در عین حال از دل این جهان ساخته می‌شوند. بر این اساس بین گفتمان و جهان بیرونی نوعی دیالکتیک برقرار می‌باشد (سلطانی، ۱۳۹۶: ۵۲).

گفتمان‌ها وقتی موفق هستند که بتوانند با فضای بیرونی تناسب و نظم منطقی و اجتماعی داشته باشند. این موضوع را می‌توان به نوعی تعادل دیالکتیکی بین گفتمان و جامعه قلمداد نمود. بر این اساس گفتمان‌هایی که نتوانند این تعادل را حفظ کنند در معرض مشکلاتی خواهند بود.

گفتمان انقلاب اسلامی از جمله گفتمان‌هایی بوده است که به اذعان بسیاری از کارشناسان از متن مردم و در نهایت اثرگذار بر مردم بوده است و در این فضا تعادل دیالکتیک به خوبی برقرار و این گفتمان را هژمونیک نموده است امروزه یکی از نگرانی‌های جدی در حوزه گفتمان انقلاب اسلامی از بین رفتن تعادل مذکور می‌باشد. یکی از تلاش‌های گفتمان غیر انقلاب اسلامی، تلاش برای جذب دال‌های شناور در جامعه بوده تا بدین طریق خرده گفتمان‌های جدیدی را ایجاد نمایند که بتوانند نیازها، ارزش‌ها و تمایلات جدید جامعه ایران را پوشش دهد. تنوع خرده گفتمان‌های جاری در عرصه عمومی به ویژه در اقشار نخبگی که با رویکردهای فرهنگی، اجتماعی، قومی، سیاسی، هویتی، جریان دارد گویای این واقعیت است که شمولیت گفتمان انقلاب اسلامی از نظر تبلیغی، تعریف و انتقال به نسل‌های جدید، نیازمند بازنمایی نوین است. غفلت‌های ایجاد شده زمینه را برای رشد خرده گفتمان‌ها و خرده جریان‌ها تسهیل و تقویت کرده است.

چهارم) به روزرسانی و بازتولید: همانطور که مطرح گردید از وظایف سطوح اولیه گفتمان یعنی نظریه پردازان و شارحین، به روزرسانی و بازتولید مفاهیم گفتمان‌ها می‌باشد. امروزه سرعت تولید علم به شدت بالاست و بنا بر برخی از اظهارنظرها «سرعت رشد علم در ایران ۱۲ برابر متوسط تولید علم جهانی می‌باشد» (ابراهیمی، ۱۳۹۵). امری که تحولات و تطورات معنایی در ایران را سرعتی دوچندان می‌بخشد. در چنین فضایی به نظر می‌رسد مفاهیم و دال‌های گفتمان انقلاب اسلامی نیازمند به روزرسانی هستند. مفاهیمی همچون قانون، مردم، ولایت و حتی حوزه‌های عملیاتی همچون اقتصاد و

مسائل اجتماعی نیازمند به روزرسانی برای هماهنگی با تغییرات سریع جامعه هستند. این رویه نیاز به نظریه پردازان و شارحین قوی در حوزه گفتمان انقلاب اسلامی را دوچندان می کند که بتوانند ارتباط بین دال مرکزی و دال های شناور گفتمان انقلاب اسلامی را به خوبی تنقیح و تبیین و روزآمد کنند.

نتیجه گیری

با ورود به دهه چهارم گفتمان انقلاب اسلامی به نظر می رسد این گفتمان نیازمند بازیابی هویت هژمونیک خود در تقابل با سکولاریزم به عنوان غیر اصلی این گفتمان می باشد. در این دهه بازخوانی و به روزرسانی، ایجاد تعادل دیالکتیک و توجه به ابعاد رسانه ای و احساسی از الزامات موفقیت و بازگشت هویت هژمونیک گفتمان انقلاب اسلامی می باشد. این الزام در شرایطی است که گفتمان حریف به عنوان یک گفتمان در قامت جهانی با بهره برداری از همه ظرفیت ها و توانمندی های در حال ترویج و توجه به الزامات فوق می باشد.

منابع

- آشوری، داریوش (۱۳۶۸)، *نظریه غربزدگی و بحران تفکر در ایران*، نشریه ایران نامه، شماره ۲۷.
- امینی، علی اکبر (۱۳۹۰)، *گفتمان ادبیات سیاسی ایران در آستانه دو انقلاب*، تهران: نشر اطلاعات، چاپ دوم.
- ایوبی، حجت الله (۱۳۸۰)، *مؤلفه های گفتمان سیاسی انقلاب اسلامی*، فصلنامه پژوهشی انقلاب اسلامی، بهار.
- بشیر، حسن (۱۳۸۴)، *تحلیل گفتمان دریچه ای برای کشف ناگفته ها*، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- پارسا، حمید (۱۳۸۴)، *سکولاریزم و معنویت*، نشریه علوم سیاسی، شماره ۳۲.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۳)، *گفتمان، یادگفتمان و سیاست*، تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- حسینی زاده، محمدعلی و صادق، حقیقت (۱۳۹۰)، *گفتمان رهیافت و روش در علوم سیاسی*، چاپ سوم به اهتمام عباس منوچهری، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- دریفوس، هیوبرت و پل، رابینو (۱۳۷۹)، *میشل فوکو فراسوی ساخت گرایی و هرمنوتیک*، ترجمه حسین بشیریه، تهران: نشر نی.
- رشاد، علی اکبر (۱۳۸۱)، *دموکراسی قدسی*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه.
- سایت رهبر انقلاب، *بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری*، ۱۳۹۲/۱۲/۱۵، دسترسی در <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=25696>

سایت رهبر انقلاب، بیانات در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی (۱۳۹۰)، دسترسی در

<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=18453>

سایت دکتر عبدالله گنجی (۱۳۹۲)، دسترسی در

<http://www.abdullahganji.ir/index.php/arshive/16-elmi/160-1392-11-23-08-44-14>

سایت ایلنا مصاحبه با رئیس سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، دسترسی در

<http://www.irna.ir/fa/News/82278049>

سایت ایلنا (۹۵/۸/۳)، مصاحبه با ابراهیمی رئیس سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی دسترسی در

<http://www.irna.ir/Fa/News/82278049>

سلطانی، علی اصغر (۱۳۹۶)، قدرت، گفتمان و زبان، تهران: نشر نی.

عضدانلو، حمید (۱۳۷۵)، درآمدی بر گفتمان یا گفتمانی درباره گفتمان، اطلاعات سیاسی -

اقتصادی، شماره ۱۰۴-۱۰۳.

فرقانی، محمدمهدی (۱۳۸۲)، راه دراز گذار، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه.

Philip Babcock Gove. *Webster's Third New International Dictionary U.S.A* 1981, p.541.

Farsoun, Samih K and Mehrdad, Mashayekhi (1992), *Iran, Political Culture in the Islamic Republic*, First Published by Routledg 1992, p.30